

Theoretical Understanding of the Economic Development in the Kurdistan Region, Iraq: Obstacles and Capacities¹

MohammadAli Shirkhani*

MohammadSedigh AhmadMahmoud**

Abstract

Kurdistan Region, Iraq is one of regions in the world that has attracted the attention of the scholars and researchers to its economic, political and social development since 2003. Accordingly, the Kurdish officials have always been trying to illustrate their region's enhancement as a developmental state for years. From this standpoint, the article sheds light on the extent of the balance between the development models of the Kurdistan Region with the developmental state framework. To evaluate that, the article's main question is, "Based on developmental state framework, what are the main obstacles and capacities of Kurdistan Region's development?" To tackle the question, the article's hypothesis is this, "the main capacities of the Kurdistan's developmental state features include Determined Developmental Elites, Weak and Dependent Civil Society, and Benefited from primary political democracy features, on the other hand, the main obstacles of the Kurdistan region's developmental states features include Deficiency in Governmental and Nongovernmental Economic Resources Management, Dependency of the Political Elites and Governmental Institutes, the lack of a Strong and Competent Economy Bureaucracy, Unable to Oppress the Civil Rights, Exaggerating at the Government's Legitimacy and its Performance, and the lack of one Political Party-Oriented rule over the region." The findings revealed that, despite the fact that there are some coincidences, the process of Kurdistan development does not adapt to the developmental state model. The Method of data collecting is secondary sources – the library sources- and the method of data analysis is descriptive-analytical. In this regard, some parts of the article is based on historiography and the other part is theoretical based on the developmental events in the region since 2003.

Keywords: Kurdistan Region of Iraq, Developmental State, Kurdistan Democrat Party, Kurdistan Patriotic Party.

Article Type: Research Article.

Citation: Shirkhani, MohammadAli & AhmadMahmoud, MohammadSedigh (2021). Theoretical Understanding of the Economic Development in the Kurdistan Region, Iraq: Obstacles and Capacities, 4(2), 523-549.

1. This article has been taken from the Ph.D dissertation of the Corresponding author entitled, "The Theory of Developmental State and Political Economy of the Kurdistan Region, Iraq" at International Relation Department, University of Tehran.

* Professor in International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, International Relations Department, University of Tehran, Tehran, Iran.

** Ph.D Student of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, International Relations Department, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding author: Mohamad.sadeeq.m@ut.ac.ir).



فهم نظری فرایند توسعه اقتصادی در اقلیم کردستان عراق: موانع و ظرفیت‌ها^۱

محمدعلی شیرخانی*

محمدصدیق احمد محمود**

چکیده

اقلیم کردستان عراق یکی از مناطقی است که طی سال‌های بعد از ۲۰۰۳ در بُعد توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از سوی محققان مورد توجه قرار گرفته است. مقامات سیاسی اقلیم با سخن به میان آوردن از توسعه تلاش داشته‌اند خود را به‌عنوان یک دولت توسعه‌گرا جلوه دهند. از این رهگذر مسئله مورد توجه مقاله حاضر پردازش به هم‌خوانی مدل توسعه اقلیم کردستان در چارچوب مدل دولت توسعه‌گراست. در این راستا پرسش اصلی این است که مهم‌ترین موانع و ظرفیت‌های توسعه در اقلیم کردستان عراق، در چارچوب نظریه دولت توسعه‌گرا کدام‌اند؟ در پاسخ به این پرسش اساسی، این فرضیه مطرح است که مهم‌ترین ظرفیت‌های دولت توسعه‌گرا در اقلیم عبارت‌اند از: وجود نخبگان توسعه‌گرای مصمم، جامعه مدنی ضعیف و تابع و برخوردار از ویژگی‌های اولیه دموکراسی‌های سیاسی و از مهم‌ترین موانع ظهور دولت توسعه‌گرا برای نیل به توسعه نیز می‌توان مدیریت ضعیف منابع اقتصادی دولتی و غیردولتی، عدم خودمختاری نخبگان سیاسی و نهادهای دولتی، فقدان بوروکراسی اقتصادی قوی و صلاحیت‌دار، ناتوانی در سرکوب حقوق مدنی، بزرگ‌نمایی از مشروعیت حکومت و عملکرد آن و درنهایت عدم حاکمیت یک حزب سیاسی بر حکومت اقلیم را نام برد. در مجموع، بنابر یافته‌های پژوهش با وجود نزدیکی‌های قابل توجه، مدل توسعه اقلیم کردستان در قالب مدل دولت توسعه‌گرا قابل خوانش نیست. روش گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر کتابخانه‌ای - اسنادی است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی - تحلیلی بوده است. با این مضمون که بخشی از پژوهش در قالب توصیفات تاریخی خواهد بود و بخش دیگر، به تحلیل وقایع براساس مبانی نظری رساله اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: اقلیم کردستان عراق، دولت توسعه‌گرا، حزب دموکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان
نوع مقاله: پژوهشی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نظریه دولت توسعه‌گرا و اقتصاد سیاسی اقلیم کردستان عراق»، در گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است.
* استاد گروه روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول). Mohamad.sadeeq.m@ut.ac.ir

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره چهارم، شماره دوم، ۵۴۹-۵۲۳.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

مفهوم توسعه (*Development*) به‌مثابه مقوله‌ای چالش‌برانگیز و مهم، پس از جنگ جهانی دوم رایج و به دستورکاری برای نظام‌های سیاسی بدل شد. از آن زمان تا کنون، وضعیت عمومی هر کشوری با معیارهای خاص توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته و بسیاری از کشورها با لحاظ کردن این معیارها، سعی در ارتقا موقعیت توسعه‌ای خود دارند. در این مسیر، در ادامه کشورهای پیشرفته، برخی از کشورهای در حال توسعه نیز با عزمی راسخ در تلاش برای جهش و پیوستن به حلقه جهان توسعه‌افته بوده‌اند، شماری از آنان نیز در این راه موفق عمل کرده‌اند (پیت و ویک، ۱۳۸۴: ۱۵). عموماً در ادبیات توسعه ملاحظه می‌شود که نقطه محوری بسیاری از نظریه‌های توسعه به‌سمت فهم ساخت، نقش و عملکرد دولت در شکل دادن به فرایندهای اجتماعی و پیشبرد توسعه تغییر کرده است. اهمیت نقش دولت در توسعه و سامان دادن به اقتصاد به آن اندازه است که حتی نهادهایی مانند بانک جهانی در دهه ۱۹۸۰ متأثر از سیاست‌های نئولیبرال، طرح تقویت دولت کارآمد به‌منظور تقویت بخش خصوصی را پیشنهاد دادند، تا از این طریق بتوان فرایند توسعه را پیش برد و با نیل به رونق و رشد اقتصادی فضای کسب‌وکار را بهبود بخشید و به‌تبع آن به کاهش سطح فقر دست یافت (ربیعی، ۱۳۹۹: ۱۰۹-۱۰۸). در این چارچوب، دولت عامل ایجاد، پیشبرد و تقویت امر توسعه در کشور به‌حساب می‌آید.

با این نگاه حکومت اقلیم کردستان که برآیند تحولات ۱۹۹۱ در عراق و بازسورت‌بندی آن در قالب نظامی فدرالی در یک دهه بعد از آن بود، در تلاش برای نیل به توسعه، خصوصاً پس از ۲۰۰۳ برآمد. مقامات اربیل در این دوران باصراحت از رویکرد توسعه‌گرایانه سخن به میان می‌آورند؛ اینکه مسیر ثبات سیاسی و امنیت اقلیم کردستان، باید به توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی ختم شود؛ به این معنا که حضور شرکت‌های خارجی موجب حمایت قدرت‌های بزرگ از اقلیم در برابر تهدیدات بغداد و نیز تهدیدات خارجی باشد. درعین حال، تدارک امنیت در اقلیم، به

معنای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی باشد. این امر موجب شده که مدل توسعه اقلیم کردستان و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی حاکمان این اقلیم در مقام مسئله‌ای جدی مورد توجه ناظران سیاسی و اقتصادی قرار بگیرد. در واقع، هرچند اقلیم کردستان در سطح اقتصادی، نسبت به دیگر استان‌های عراق، روندی قابل توجه از رشد را تجربه کرده، اما هنوز نتوانسته در مسیر توسعه متوازن و پایدار قرار گیرد، لیکن تا حدودی با مدل دولت توسعه‌گرا هماهنگ و در پاره‌ای از حوزه‌ها نیز قادر به ایجاد شاخصه‌های این نوع دولت نبوده است. با این حال، این منطقه خودمختار که ذیل جوامع در حال توسعه قابل تعریف است از پتانسیل‌های بالقوه اقتصادی و فرهنگی بسیاری برای حرکت در راستای توسعه برخوردار است، اما با چالش‌هایی عمیق در مسیر تبدیل به یک دولت توسعه‌گرا روبه‌روست.

در این راستا، بررسی موانع و ظرفیت‌های اقلیم کردستان عراق در گذار به مدل دولت توسعه‌گرا بخش اساسی مقاله حاضر است. به همین منظور، این سؤال مطرح می‌شود که مهم‌ترین موانع و ظرفیت‌های توسعه در اقلیم، در چارچوب نظریه دولت توسعه‌گرا کدام‌اند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که مهم‌ترین ظرفیت‌های دولت توسعه‌گرا در اقلیم عبارت‌اند از: وجود نخبگان توسعه‌گرای مصمم، جامعه مدنی ضعیف و تابع و برخورداری از ویژگی‌های اولیه دموکراسی‌های سیاسی و از مهم‌ترین موانع ظهور دولت توسعه‌گرا برای نیل به توسعه نیز می‌توان مدیریت ضعیف منابع اقتصادی دولتی و غیردولتی، عدم خودمختاری نخبگان سیاسی و نهادهای دولتی، فقدان بوروکراسی اقتصادی قوی و صلاحیت‌دار، ناتوانی در سرکوب حقوق مدنی، بزرگ‌نمایی از مشروعیت حکومت و عملکرد آن و درنهایت عدم حاکمیت یک حزب سیاسی بر حکومت اقلیم را نام برد. شایان ذکر است که در کلیت نوشتار حاضر کاربست نظریه دولت توسعه‌گرا در خصوص اقلیم کردستان عراق با تساهل به کار رفته است.

در راستای پرداختن به این فرضیه اساسی در چارچوب کلان نوشتار حاضر در

ابتدا پیشینه و ادبیات پژوهش بررسی و سپس چارچوب نظری پژوهش با توجه به نظریات موجود در باب دولت توسعه‌گرا ارائه می‌شود. در ادامه در چارچوب اصلی مقاله، در دو بخش مجزا ظرفیت‌ها و محدودیت‌های پژوهش مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفته است.

۲. پیشینه و ادبیات پژوهش

بررسی ادبیات و منابع تولیدی در حوزه موضوعی رساله به‌منظور درک کاستی‌ها و نیز فهم زمینه‌های مورد پژوهش تا پیش از تألیف مقاله حاضر از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین در بخش حاضر تلاش می‌شود تا مهم‌ترین، آخرین و اهم تألیف‌های موجود در حوزه موضوعی نوشتار را در ادامه ارائه شود.

دیکست و رزگار احمد (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحلیلی توسعه اقتصادی اقلیم کردستان از طریق احتمال ایجاد تنوع از اقتصادی با حرکت از سمت نفت به اقتصاد کشاورزی را بررسی کرده‌اند. همچنین، هدف دیگر نویسندگان این است که دریابند چگونه نقش سرمایه‌گذاری مستقیم بر رشد اقتصاد در بخش کشاورزی تأثیر می‌گذارد. از دید آنها اقلیم کردستان به دلیل وابستگی شدید به درآمدهای نفتی به یک مدل توسعه اقتصادی رانتیر وابسته شده که در آن بخش کشاورزی به‌عنوان یک منبع عظیم بالقوه نادیده گرفته شده است که دارای پتانسیل زیادی برای کسب درآمد چشم‌گیر برای این منطقه است (Dixit & Rzgar Ahmed, 2019).

تابان کانابی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه اقتصادی اقلیم کردستان را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد روند توسعه زیرساخت‌ها و رشد اشتغال در این منطقه در سال‌های اخیر، برخلاف دوره پیشین کند شده است. بنابراین از دید نویسنده با جذب مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان با چنین مشکلاتی مقابله کرد (Kanabi, 2018).

محمد صالح (۲۰۱۶) معتقد است رانتیرسم و وابستگی شدید به نفت، زمینه‌ساز

فهم نظری فرایند توسعه اقتصادی ... (احمد محمود محمدصدیق و محمدعلی شیرخانی) ۵۲۷

شکل‌گیری یک اقتصاد شکننده را به نسبت تحولات بازار نفت، خصوصاً در دوره‌هایی که قیمت آن کاهش می‌یابد، فراهم می‌کند. از این رو، اقلیم کردستان با وابستگی بیش از ۹۵ درصد به درآمدهای نفتی یک اقتصاد رانتیر و تک‌محصولی است و با توجه به اینکه در دوران پیشادولت نیز قرار دارد، به شدت تحت تأثیر بازار جهانی نفت قرار دارد (Salih, 2016).

از دید المیهیا (۲۰۱۷) اقلیم کردستان به دلیل اتخاذ سیاست اقتصادی بازار آزاد، فرصت‌های زیادی برای سرمایه‌گذاری دارد. به‌رغم برخورداری از ثبات نسبی، علاوه بر فراوانی منابع طبیعی، هتل‌ها و اماکن مذهبی، اما این فضای سرمایه‌گذاری با انگیزه‌های مدرن مناسب با واقعیت اقتصادی جدید پشتیبانی نمی‌شود. نامشخص بودن مقررات داخلی برای سرمایه‌گذاری خارجی، فقدان قوانین اقتصادی مشخص، توجه بیش از حد مقامات اقلیم به درآمدهای نفتی، فقدان برنامه‌ریزی اقتصادی در بخش‌های غیرنفتی، عدم حمایت از بخش خصوصی برای همکاری در بخش‌های غیرنفتی با جذب سرمایه‌گذاری خارجی از مهم‌ترین مشکلات اقلیم است که مانع توسعه اقتصادی آن با گذار از اقتصادی نفتی و جذب سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی شده است (Al-Mihya, 2017).

کژال عبدالله آذر (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این یافته می‌رسد اگرچه اقلیم کردستان دارای ذخایر فراوان نفت و گاز است، اما از آن به‌عنوان ابزاری برای توسعه پایدار بهره نبرده است. به‌رغم فرصت‌های ایجاد شده توسط صنایع نفت و گاز، به دلیل عدم موفقیت اقلیم در تنوع بخشیدن به اقتصاد به دور از استخراج صرف و فروش منابع نفت به‌عنوان تنها منبع درآمد، این منطقه نتوانسته به سمت فعالیت‌های تولیدی و پایدار برود (Abdullah Auzer, 2017).

با عنایت به آنچه در بخش ادبیات پژوهش آمد، می‌توان به چند نکته اشاره داشت. نخست، ادبیات پژوهشی در حوزه زبان فارسی موضوع رساله با فقر شدیدی مواجه بوده و هیچ اثری در زمینه توسعه اقتصادی و رانتیرسم اقلیم کردستان به رشته تحریر

درنیامده است. دوم، در زبان انگلیسی نیز فقدان یک اثر جامع احساس شده و بیشتر مقالات و یادداشت‌هایی در این زمینه نگاشته شده است، که پاسخ‌گویی روش وضعیت رانتیریسیم، عدم توسعه اقتصادی یا مدل توسعه در اقلیم نیست. سوم، در آثار مذکور به چستی و چرایی عدم توسعه از منظر اتکا به منابع نفتی بسیار توجه شده، در صورتی که عوامل دیگر این موضوع مورد فراموشی قرار گرفته است. چهارم، ادبیات مذکور فاقد رویکرد نظری به موضوع دولت توسعه‌گرا در اقلیم است و بیشتر توصیف تحولات اقتصادی را شامل می‌شود.

۳. چارچوب نظری (طرح مدل دولت توسعه‌گرا در خاورمیانه)

اهداف سیاسی و ساختارهای نهادی کشورهای در حال توسعه، اگرچه توسعه‌محور بوده‌اند، اما اهداف توسعه‌ای آنها همواره سیاسی بوده است. به عبارت بهتر، عوامل بنیادین سیاسی همیشه محور و سرعت استراتژی‌های توسعه‌ای را با ساختارهای دولت شکل داده‌اند، تا امر توسعه را سرعت ببخشند و موانع پیش روی آن را کنار بزنند. بنابراین دولت‌های توسعه‌گرا (*Developmental States*) را می‌توان دولت‌هایی نامید که سیاست آنها قدرت، استقلال و ظرفیت کافی را در کانون توجه برای شکل‌دهی، پیگیری و تشویق به دستیابی به اهداف توسعه‌ای مشخص می‌کند، حال خواه با ایجاد و ارتقا شرایط و برای رشد اقتصادی یا با سازمان‌دهی متمرکز یا ترکیبی از این دو. طرفداران نظریه دولت توسعه‌گرا، استدلال می‌کنند که از نظر تاریخی، امر توسعه موفق مستلزم مداخله دولت است (*Chang, 2004*).

در باب فهم نظری دولت توسعه‌گرا فردریش لیست (*Friedrich List*) استدلال می‌کند «کشورهای کم‌تر پیشرفته باید از دولت برای نیل به پیشرفت استفاده کنند تا روند توسعه اقتصادی کشور را به انجام رسانده و آن را برای پذیرش در جامعه جهانی در آینده آماده کنند» (*List, 1885: 175*). وی به صراحت (و با پیش‌بینی و به یادآوردن ژاپن و کره جنوبی در قرن بیستم) مدعی است که «... یک صنعت تولیدی کاملاً

فهم نظری فرایند توسعه اقتصادی ... (احمد محمود محمدصدیق و محمدعلی شیرخانی) ۵۲۹

توسعه‌افته، یک نیروی دریایی تجاری مهم و تجارت خارجی در مقیاس بسیار بزرگ، تنها با استفاده از به‌کارگیری قدرت دولت» (List, 1885: 178) امکان‌پذیر است.

البته در بعد تاریخی با انتشار کار نهایی چالمرز جانسون (Chalmers Johnson) در مورد کشورهای توسعه‌گرای شرق آسیا و به‌ویژه ژاپن بود (Johnson, 1981: 1982) که عبارت دولت توسعه‌گرا اولین بار به‌طور رسمی آغاز و تلاش جدی برای مفهوم‌سازی آن انجام شد. جانسون (Johnson, 1981: 9-10) معتقد بود منطق «جهت‌گیری توسعه‌ای» چنین دولتی، آن را از دولت «ایدئولوژیک» در اقتصادهای شوروی و «جهت‌گیری نظارتی» دولت‌های لیبرال دموکراتیک یا حتی سوسیال دموکراتیک متمایز می‌کند. تنگاتنگی رابطه دولت توسعه‌گرا با بخش خصوصی و شدت دخالت آن در بازار یکی از ویژگی‌های مهم آن است. دولت توسعه‌گرای ژاپن در «... تعیین ... اهداف اجتماعی و اقتصادی اساسی» (Johnson, 1982: 19) برای پیوند با بخش خصوصی بسیار برجسته بود، درحالی‌که دولت نظارتی فقط چارچوبی را برای اجزای این بخش تعیین می‌کرد.

از آن زمان، تفسیرهای ارزشمندی از دولت توسعه‌گرا صورت گرفته است (بنگرید به: Evans, 1985; White and Wade, 1985; Deyo, 1987; Wade, 1990). اما تمرکز غالب مطالعات کشورهای در حال توسعه در شرق آسیا بوده است، با چند حالت جزئی از مطالعات مرتبط به آسیای جنوب شرقی (Hawes and Liu, 1993). با این اوصاف، شش مؤلفه اصلی مدل دولت توسعه‌گرا به شرح ذیل است:

۳-۱. نخبگان توسعه‌گرای مصمم

دولت‌های توسعه‌گرا با ویژگی نخبگان توسعه‌گرا (Developmental Elites) خود متمایز می‌شوند. غالباً نخبگان اصلی با کادر کوچکی از سیاست‌مداران ارشد و بوروکرات‌های مصمم به توسعه ارتباط دارند که معمولاً به رئیس اجرایی دولت نزدیک‌اند و در ایجاد رژیم توسعه‌گرا و فرهنگ آن نقش اصلی را بازی می‌کنند (Henderson, 1990). یکی

دیگر از ویژگی‌های بارز این نخبگان، صمیمیت و پیوند اجزای بوروکراتیک (مدنی و نظامی) و سیاسی آنها، به‌ویژه در رأس قدرت، مانند ژاپن بود. تردد بالا بین سطوح عالی بوروکراسی مدنی و نظامی و مقام عالی سیاسی، که در کشورهای دموکراتیک غربی نادر است، به‌ویژه بیان واضح این امر در دولت توسعه‌گراست (Johnson, 1981: 44-48).

۲-۳. خودمختاری نسبی نخبگان و نهادهای دولتی

دومین جنبه مشترک دولت‌های توسعه‌گرا، خودمختاری نسبی نخبگان و نهادهای دولتی است که آنها بر آن حکومت می‌کنند (Rueschemeyer and Evans, 1985: 48-49). اگرچه در همه‌جا شکل و میزان خودمختاری نسبی دولت متفاوت بوده است (Mackie, 1988: 295)، اما به نظر می‌رسد برای دولت‌های توسعه‌گرای دموکراتیک و غیردموکراتیک یکسان است. مفهوم، علل و عناصر تشکیل‌دهنده «خودمختاری دولت» در زمینه‌های مختلف نظری و تجربی در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته و به روش‌های مختلف تعریف شده است (بنگرید به Skocpol, 1985; Cotton, 1992). اما برای اهداف کنونی، خودمختاری ممکن است صرفاً به این معنا تعریف شود که دولت توانسته است به استقلال نسبی از سر و صدای شدید منافع خاص (اعم از طبقاتی، منطقه‌ای یا بخشی) دست یابد و هم می‌تواند بر این منافع به‌منظور کسب منافع ملی احتمالی غلبه کند (Nordlinger, 1987: 361).

۳-۳. بوروکراسی اقتصادی قدرتمند، دارای صلاحیت و مستحکم

هماهنگی و توسعه اقتصادی در دولت‌های توسعه‌گرا توسط نهادهای خاصی اداره می‌شود که وظیفه آنها سازمان‌دهی تعاملات مهم بین دولت و اقتصاد است. اینها بوروکراسی‌های اقتصادی، مراکز اصلی جهت‌گیری استراتژیک اقتصادی در کشورهای توسعه‌گرا یا نهادهای رهبری آنها بوده است که جانسون آنها را برای ژاپن توصیف کرد.

فهم نظری فرایند توسعه اقتصادی ... (احمد محمود محمدصدیق و محمدعلی شیرخانی) ۵۳۱

به نظر می‌رسد آنچه این دستورات عالی اقتصادی را از کلیت نهادهای برنامه‌ریزی در بسیاری از کشورهای توسعه‌گرا متمایز می‌کند، قدرت واقعی، اقتدار، صلاحیت فنی و ساختار مستحکم آنها در شکل دادن سیاست توسعه است، اگرچه این نیز در دولت‌های مختلف متفاوت است (Johnson, 1982: 26).

۳-۴. جامعه مدنی ضعیف و تابع

دولت‌های توسعه‌گرا عموماً در بسترهای اجتماعی‌ای عمل می‌کنند که در آن جامعه مدنی از بین رفته یا در ابتدا ضعیف بوده است. دولت‌های توسعه‌گرا در مقابل جوامع مدنی ضعیف «دولت‌هایی قوی» به‌شمار می‌آیند که از «قدرت زیرساختی» (Infrastructural Power) زیادی «... برای نفوذ و هماهنگی متمرکز فعالیت‌های جامعه مدنی از طریق زیرساخت‌های خود» برخوردارند (Mann, 1986: 114). استفاده متداول از قوانین و آژانس‌های امنیت داخلی، پلیس مخفی و سازمان‌های حزبی شیوه‌ای استاندارد در تقویت دولت و کنترل جامعه مدنی در همه کشورهای توسعه‌گرا بوده است. همه‌جا رسانه‌های گروهی و سازمان‌های کارگری به‌شدت کنترل می‌شوند. ضعف جامعه مدنی اغلب در نتیجه حمله مستقیم دولت توسعه‌گرای جدید به آن بوده است، مانند مورد چین پس از ۱۹۴۹ که حزب کمونیست چین قصد داشت همه سازمان‌ها و تعاملات را از بین ببرد و تحت کنترل حزب درآورد (Cotton, 1992: 523-524).

۳-۵. مدیریت مؤثر منافع اقتصادی غیردولتی

این عامل همه ظرفیت‌های دولت‌های توسعه‌گرا را در مقابل برخوردشان با منافع اقتصادی خصوصی، داخلی و خارجی تقویت می‌کند. نکته کلیدی در اینجا این است که در دولت‌های توسعه‌گرای آسیای شرقی، قدرت و خودمختاری دولت، قبل از افزایش سرمایه ملی یا خارجی تثبیت شده بود. علاوه بر این، دولت‌های توسعه‌گرا نقش مهمی در تشویق ظهور و رشد مؤسسات اقتصادی خصوصی، به شکل محدود و با کنترل تمرکز بر فعالیت آنها داشته‌اند. دولت در ترویج، سوق دادن، متقاعد کردن و گاه

با قوه قهریه این منافع را در جهاتی که مطابق با استراتژی توسعه خود است، فعال کرده است. الگوهای روابط صمیمی و نزدیک بخش دولتی و خصوصی ناگزیر باعث شده است این اقتصادهای سیاسی به‌عنوان «کورپوراتیستی» (*Corporatist*) توصیف شوند (Onis, 1991: 118-119)، که در آنها نقش «رهبری» دولت بسیار مهم‌تر از نقش «پیروی» آن است (Wade, 1990: 295).

۶-۳. سرکوب حقوق مدنی، مشروعیت و عملکرد

یکی دیگر از ویژگی‌های غم‌انگیز دولت‌های توسعه‌گرا، گاهاً سرکوب وحشیانه حقوق شهروندی آنها، بزرگ‌نمایی ظاهری مشروعیت‌شان و عملکرد عموماً پایدار آنها در ارائه کالاهای توسعه‌گرایانه است. در این میان، دولت‌های توسعه‌گرای غیردموکراتیک، کشورهای جذابی نیستند و برخی سوابق وحشتناک حقوق بشری دارند، حداقل وقتی برخلاف استانداردهای لیبرال تنظیم شوند. مطالعات موردی حاکی از مشروعیت گسترده، حتی محبوبیت واقعی، برای کشورهای توسعه‌گراست (Liddle, 1992: 450). با این اوصاف از دیدگاه لغت و بیچ تحلیل‌گر برجسته نظریه دولت توسعه‌گرا ویژگی‌های این دولت - اعم از دموکراتیک و غیردموکراتیک - را چنین می‌داند: «اداره دولت توسط نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت، وجود بوروکراسی قدرتمند و کارآمد، ضعف جامعه مدنی و تحکیم اقتدار دولت پیش از افزایش اهمیت سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌داند. از نظر او، دولت‌های توسعه‌گرای دموکراتیک، علاوه بر ویژگی‌های پنج‌گانه یاد شده، از دو ویژگی دیگر هم برخوردارند: حاکمیت طولانی‌مدت یک حزب در کشور و برخورداری از ویژگی‌های دموکراسی‌های سیاسی (نبوی، ۱۳۹۰: ۱۹۳-۱۹۰).

۴. ظرفیت‌های گذار اقلیم کردستان به مدل توسعه‌گرا

۴-۱. وجود نخبگان توسعه‌گرای مصمم

تأثیری که نخبگان متمایل به توسعه بر پیشرفت یک کشور دارند ناشی از کنترل آنها بر

دارایی‌ها و مؤسسات مولد است، که آنها را قادر می‌سازد هم بر تخصیص منابع و هم بر تخصیص اختیارات تأثیر گذارند. کنترل آنها بر منابع به نخبگان این امکان را می‌دهد تا در مورد تولید و فناوری تصمیم‌گیری کنند. نخبگان نیز از طریق کنترل خود بر فرایندهای تصمیم‌گیری که منابع سیاسی را در یک جامعه تخصیص می‌دهند، بر نتایج توسعه تأثیر می‌گذارند. یکی دیگر از نقش‌های نخبگان بر توسعه، کنترل آنها بر مؤسسات اقتصادی است که آنها می‌توانند بر نحوه درک نخبگان و غیرنخبگان در مسائل مختلف تأثیر گذارند. میزان استفاده از این کانال‌ها برای رفاه اجتماعی یا شخصی در جوامع مختلف، متفاوت است. در مجموع اگر نخبگان بتوانند رفتارهای توسعه‌ای در پیش بگیرند، تأثیر مثبت بر رشد و توسعه خواهد داشت (Amsden, Dicaprio and Robinson, 2010). حال شناسایی و معرفی نخبگان اقلیم کردستان عراق در بستر این ظرفیت و نقش آن در توسعه باید مورد توجه قرار گیرد.

در باب سیاست‌مداران اقلیم کردستان، اگرچه نسل اول بیشتر فرماندهان نظامی و سیاسی بودند که دغدغه اصلی‌شان تحکیم موقعیت قانونی و سیاسی داخلی و بین‌المللی اقلیم بوده است و فرصت چندانی برای پرداختن به مسئله توسعه نداشته‌اند، اما نسل دوم رهبران اقلیم کردستان که غالباً پس از ۲۰۰۳ ظهور کردند، بیشتر تکنوکرات‌هایی‌اند که به امر توسعه توجه بیشتری داشته‌اند.

در این میان، می‌توان نچیروان بارزانی، معاون ریاست حزب دموکرات کردستان عراق، را مشهودترین نمود این دست از نخبگان ارزیابی کرد. وی تا پیش از سال ۲۰۱۹ در چند کابینه متوالی در مقام نخست‌وزیر اقلیم کردستان فعالیت می‌کرد و پس از آن نیز به ریاست اقلیم رسید. او از نسل رهبران تکنوکرات جدید و پیشرو در مسیر رشد در اقلیم کردستان است و در حال حاضر بالاترین مقام رسمی در حکومت اقلیم کردستان را در اختیار دارد. از مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی وی تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تقویت و توسعه روابط خارجی و منطقه‌ای اقلیم، به‌ویژه با ترکیه و ایران، در حوزه‌های گوناگون، برنامه‌ریزی برای تقویت فعالیت‌های بخش

خصوصی در حوزه اقتصادی و ایجاد فرودگاه بین‌المللی، تأسیس دانشگاه‌های جدید و به‌ویژه نقش کلیدی در حوزه انرژی و بنیان‌گذاری صنعت نفت و گاز و همچنین سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی از سوی بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی جهانی بوده است. او با سیاست توسعه در داخل و دیپلماسی تنش‌زدایی در خارج، از مهم‌ترین شخصیت‌های توسعه‌گرای اقلیم است (Razzouk, 2012 Aljazeera, 2019b).

علاوه‌بر نچیروان، مسرور بارزانی، مشاور پیشین انجمن آسایش اقلیم (نهاد امنیتی) و نخست‌وزیر فعلی اقلیم کردستان را باید از شخصیت‌های جدید و توسعه‌گرای اقلیم دانست که او نیز از تکنوکرات‌های مهم این منطقه است. وی دوره‌های تحصیلی‌اش را در لندن و تحصیلات تکمیلی در حوزه مطالعات بین‌المللی را در واشینگتن پشت سر گذاشته است. وی در دو سال اخیر که به نخست‌وزیری رسیده است، از مهم‌ترین چهره‌های توسعه‌گرا در اقلیم بوده است که با پروژه اصلاحات همه‌جانبه در کل ساختار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اقلیم، در حال هدایت اقلیم به سمت توسعه است. مبارزه با فساد، تقویت بخش خصوصی، مشارکت حکومت در امور اقتصادی و تولیدی، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی کلان نیز از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان است. ایجاد زیرساخت‌هایی نظیر سدهای استراتژیک، سیلوهای بزرگ گندم و کارخانه‌های تولیدی، ساخت بزرگ‌ترین کارخانه‌ی فولاد عراق، گشایش چند ایستگاه و نیروگاه برق‌رسانی جدید، توسعه کشاورزی با کمک کشور هلند و ... از مهم‌ترین اقدامات وی در این دوره از نخست‌وزیری‌اش است (مه‌سرور بارزانی، ۲۰۲۰؛ Aziz, 2020؛ Shilani, 2021).

همچنین، هوبارد و حسن (2018) در مقاله‌ای تفصیلی در نیویورک تایمز، برهم صالح، رئیس‌جمهور فعلی عراق، را از چهره‌های تکنوکرات عراق و اقلیم معرفی می‌کند، او دانش‌آموخته دانشگاه لیورپول انگلستان است که به توسعه تمایل دارد (هیوای کورد، ۲۰۱۸؛ Country.eiu.com, 2012). در مجموع، اقلیم کردستان دارای ظرفیت‌های بالقوه نخبگان مایل به توسعه است. این رهبران نسل جدید، می‌توانند نقش مهمی در روند توسعه اقلیم داشته باشند.

۴-۲. جامعه مدنی ضعیف و تابع

اگرچه جامعه مدنی اقلیم کردستان در حوزه‌های مختلف از جامعه مدنی دیگر مناطق کشور عراق قوی‌تر است، اما در کل جامعه مدنی بیشتر تابع احزاب سیاسی دو حزب حکمران؛ یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی ازیک‌سو و حکومت اقلیم کردستان ازسوی دیگر است. این یعنی جامعه مدنی مستقل، چندان محلی از اعراب ندارد و این خود، در چارچوب دولت توسعه‌گرای غیردمکراتیک پیش‌شرط توسعه است (Samudavanija, 1990). چرا که جامعه مدنی قوی، مسیر توسعه ازسوی دولت را در پاره‌ای از موارد سد کرده و باعث کند شدن و یا تغییر رویه این روند می‌شود.

در همین راستا، احزاب سیاسی اصلی حاکم بر اقلیم با محوریت حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی، ذیل ایجاد یک نظام توسعه حامی‌پرور به دنبال تشکیل نظام سیاسی اند که تنها بازیگران آن افراد وابسته با این دو حزب و درنهایت حکومت منطقه‌ای باشد. مهم‌ترین هدف این نهادهای مدنی، تقویت موضوع حزب مطبوعشان در قدرت است (حاجی، ۲۰۱۶). این وابستگی، باعث شده تا نهادهای مدنی اقلیم در دایره همین وابستگی قرار گیرند. درواقع نهادهای مدنی مستقل، اگر باعث به چالش کشیدن اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی و سد مسیر توسعه شوند، ازسوی حکومت متوقف می‌شوند.

چنان‌که مراد حکیم می‌گوید؛ عواملی چون: «سازمان‌های ضعیف نهادهای مدنی، عدم وجود استقلال در بین این جوامع، تجربه شکننده سازمان‌های غیردولتی و هژمونی آژانس‌های رسانه‌ای وابسته به احزاب بر نهادهای جامعه مدنی، همه باعث ضعیف و تابع بودن جامعه مدنی در اقلیم کردستان» شده است (Hakeem, 2017: 143). این نهادها منابع مالی محدودی دارند، درحالی‌که وابستگی این نهادها به حامیان مالی، باعث تضعیف استقلال و مسئولیت‌پذیری آنها شده است همین تابعیت و ضعف باعث شده تا فعالان جامعه مدنی در هنگام پرداختن به موضوعات حساس مانند آزادی بیان، رسانه‌های مستقل، حمایت و نظارت بر انتخابات بسیار محتاط باشند (Chantizi,

(2017) که این امر می‌تواند به نفع نخبگان توسعه‌گرا در این منطقه، در جهت پیش‌برد اهداف توسعه‌ای‌شان، بدون مزاحمت جامعه مدنی باشد.

۴-۳. برخورداری از ویژگی‌های اولیه دموکراسی‌های سیاسی

درحالی‌که در دولت توسعه‌گرا، بسط و بزرگ‌نمایی اقتدار بلامنازع نظام حاکم در عین تابع‌سازی جامعه مدنی یا حفظ آن در موقعیت ضعیف، یک ویژگی مهم به حساب می‌آید، اما یک دولت توسعه‌گرا، چنان‌که لفت ویچ می‌گوید، به برخورداری از ویژگی‌های اولیه دموکراسی‌های سیاسی نیاز دارد (Leftwich, 2001). اقلیم کردستان، با وجود موانع و مسیر طولانی که در راه بدل شدن به یک دموکراسی دارد، اما نمونه اولیه یک دموکراسی سیاسی کم‌وبیش موفق در منطقه خاورمیانه و نیز عراق است و تا حدی اصول و ویژگی‌های دموکراسی سیاسی را دارد.

شایان ذکر است، با کمک نیروهای ائتلاف و با قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، خودمختاری کردها در طول سه دهه گذشته ایجاد و تقویت شد و تعریف آن در چارچوب نظامی دموکراتیک صورت گرفت. امروزه کردستان عراق در کالبد یک حکومت دموکراتیک دیده می‌شود. دموکراسی جزء مهمی برای خودگردانی کردستان و استقلال آن است. درحالی‌که تلاش کردها برای ایجاد دموکراسی در قرن بیستم در موارد متعددی نادیده گرفته شد و مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت، رویدادهای اخیر آینده روشنی را برای دموکراسی سیاسی در کردستان رقم زده است. در دو دهه اخیر، بارها از سوی برخی ناظران و مفسران داخلی و خارجی ادعا شده است که منطقه کردستان عراق می‌تواند نمونه یک حکومت دموکراتیک در میان کشورهای غیردموکراتیک این منطقه متخاصم باشد (Qaradaghi, 2021). با این حال، فارغ از این ادعاها، نمی‌توان انکار کرد که اقلیم کردستان به یک مدل از دموکراسی سیاسی با هدایت حکومت منطقه‌ای نائل آمده است (Ahmed, 2017: 29-31) که در چارچوب خواست آن برای توسعه قابل فهم است. ظرفیت اقلیم در این بخش، آن را به ابزاری

برای رسیدن به یک دولت توسعه‌گرا بدل کرده است. بنابراین اقلیم، ظرفیت‌های سیاسی لازم برای حرکت در مسیر توسعه را داشته است که با ویژگی‌هایی خوانش سیاسی از توسعه هماهنگی دارد.

۵. موانع و محدودیت‌های گذار اقلیم کردستان به مدل توسعه‌گرا

۵-۱. نهادینه شدن فرهنگ دو حزبی و نظام دو اداره‌ایی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم که به‌عنوان شاخص دولت‌های توسعه‌گرا ازسوی دید لغت ویچ مورد توجه قرار گرفته، حاکمیت طولانی‌مدت یک حزب و تحکیم اقتدار دولت پیش از افزایش اهمیت سرمایه‌های داخلی و خارجی است. تجربه بسیاری از دولت‌های توسعه‌گرا این مسئله را نمایان کرده که یک حزب سیاسی به صورت مستقل و در یک بازه زمانی گاهاً چنددهه‌ایی مدیریت توسعه را برعهده دارد، اما برخلاف این روند در اقلیم کردستان پدیده‌ای با عنوان نظام دو اداره‌ایی (*Two Offices System*) و نهادینه شدن نظام دو حزبی (*Two-party System*) مانعی بزرگ در گذار به مدل دولت توسعه‌گرا بوده‌اند.

نظام دو اداره‌ایی اساساً در نتیجه یک روند تاریخی و مسیر پرفرازونشیب از نزاع‌های سیاسی میان دو حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان است، اما مفصل‌بندی دقیق نظام دو اداره‌ایی را می‌توان به میانه‌های دهه ۱۹۹۰ و بعد از آغاز درگیری نظامی میان این دو حزب ارجاع داد. براساس نظام دو اداره‌ایی که در سال‌های بعد از ۱۹۹۴ و در نتیجه یک دوره جنگ مسلحانه میان دو حزب اصلی کردستان عراق کلید خورد؛ حزب دموکرات کردستان عراق، مدیریت استان‌های اربیل و دهوک را در اختیار داشت و اتحادیه میهنی کردستان، در استان سلیمانیه فرمانروا بود (*Aydogan, 2020*).



نقشه ۱. تقسیم اقلیم کردستان به دو منطقه اداری تحت نفوذ حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان

نظام مدیریت دو اداره‌ایی در سال‌های بعد از ۱۹۹۸ به شکل رسمی در هر دو منطقه اجرایی شد و هریک از این دو حزب، در مناطق تحت کنترل خود، بوروکراسی خاص خود را ایجاد کردند. در سال‌های بعد از سقوط رژیم بعث در ۲۰۰۳، با توافق تاریخی مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات، و جلال طالبانی، دبیرکل اتحادیه میهنی، گام‌های عملی برای پایان نظام دو اداره‌ای برداشته شد. بعد از تصویب قانون اساسی عراق که بر مبنای ایجاد منطقه فدرال در شمال عراق بود، به نظام دو اداره‌ایی خاتمه داده شد و در قالب حکومت اقلیم کردستان عراق، مدیریت مشترک دو حزب آغاز شد، اما همچنان سایه نظام دو اداره‌ایی و دو حزبی برای اقلیم ادامه داشت (Al Jazeera 2019a; NRT TV, 2020).

در ادامه پس فراندم استقلال کردستان و بروز اختلافات داخلی میان حزبی اختلافات میان دو طرف بیش از پیش نمایان شد (Aydogan, 2020). در مجموع، آنچه بر اقلیم کردستان عراق نمایان شد و حتمی به نظر می‌رسد این است که همچنان دو حزب اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق اداره مناطق تحت

سلطه خویش را در اختیار داشته و همین امر مانعی بزرگ در مسیر ایجاد دولت توسعه‌گرا در این اقلیم شده است.

اکنون اوضاع سیاسی به گونه‌ای است که با وجود تصدی منصب ریاست اقلیم توسط نچیروان بارزانی از حزب دموکرات کردستان و برگزیده شدن مسرور بارزانی به‌عنوان نخست‌وزیر، همچنان نظام دو اداره‌ای حاکم است. هرچند در ظاهر امر این حزب دموکرات کردستان عراق است که بیشتر مناصب را در اختیار دارد، اما در عمل فرمانروایی دو حزبی همچنان حکمفرماست (موسی شریف، ۲۰۲۱).

در سطح ابتدایی اتحادیه میهنی کردستان با در اختیار داشتن نیروهای نظامی تقریباً هم‌سطح^۱ با حزب رقیب خود، توانایی ایجاد نظام دو اداره‌ای و بازگشت به وضعیت سال‌های قبل از ۲۰۰۳ را دارد و در مقابل حزب دموکرات کردستان در سیاست‌های اعلامی خود همواره از مخالفت با نظام دو اداره‌ای سخن می‌گوید. در سطح دوم، بخشی از رهبران اتحادیه میهنی کردستان با تمرکز بر اینکه قدرت نظامی و سیاسی هم‌تراز با دموکرات کردستان عراق دارند، در مسیر سیاست‌گذاری‌های کلان برای توسعه از توانایی وتوی پنهان سخن به میان می‌آورند؛ به این معنا که بدون در نظر گرفتن تعداد کرسی‌های پارلمان و مناصب سیاسی تحت کنترل در حکومت اقلیم، می‌توانند مانع هرگونه تصمیم‌گیری و اجرایی شدن آن شوند. در سطح سوم، عدم حاکمیت یک حزب و یک جریان سیاسی خاص در مسیر گذار به دولت توسعه‌گرا مانع ایجاد کرده و موجب شده است که یک اراده واحد برای گذار به توسعه در اقلیم کردستان وجود نداشته باشد.

۲-۵. مدیریت ضعیف منابع اقتصادی دولتی و غیردولتی

بنا بر دیدگاه نظریه‌پردازن یکی دیگر از الزام‌های گذار به مدل دولت توسعه‌گرا، قدرت

۱. بسیاری از ناظران سیاسی و کارشناسان حوزه مسائل نظامی بر این باورند که حزب دموکرات، از توان نظامی بالاتری نسبت به حزب اتحادیه میهنی برخوردار است.

و اختیار مستقل دولت قبل از افزایش سرمایه ملی یا خارجی برای مدیریت صحیح منابع اقتصادی است. در این زمینه حکومت اقلیم کردستان در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ مدیریتی دوگانه داشته که بخشی حاکی از سیاست مطلوب آنها بوده و بخش دیگر منجر به ضعف آنها در زمینه اجرایی کردن مدل توسعه‌گرا در بُعد مدیریت منابع اقتصادی دولتی و غیردولتی بوده است. به‌طوری‌که، می‌توان گفت در مرحله نخست اقلیم کردستان در تشویق ظهور و رشد مؤسسات اقتصادی خصوصی، به شکل محدود و با کنترل تمرکز بر فعالیت آنها در اوایل سال ۲۰۰۳ تا حدودی عملکردی موفق داشته است. همچنین، آنها در زمینه جذب سرمایه خارجی و فراهم کردن زمینه برای حضور شرکت‌های بین‌المللی در مناطق تحت کنترل خود عملکرد موفقی داشتند (بنگرید به *Heshmati and Davis, 2007*).

در مجموع، در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ سیاست جلب سرمایه‌های خارجی فرصت‌های قابل توجهی برای توسعه اقلیم کردستان ایجاد کرد و دولت‌مردان اربیل تلاش داشتند تا شرکت‌های بزرگ نفتی را نسبت به سرمایه‌گذاری برای منابع انرژی اقلیم کردستان متقاعد کنند. در این زمینه ورود شرکت‌های بزرگ نفتی به اقلیم نیز درآمدهای مستقل اقتصادی را در اختیار اقلیم کردستان قرار داد که با مخالفت و انتقاد شدید حکومت مرکزی عراق نیز مواجه شد (*Kanabi, 2018*). اما با وجود در اختیار داشتن سرمایه اقتصادی کلان که ناشی از دو منبع سرمایه‌گذاری خارجی و نیز دریافت سهم بودجه از بغداد^۱ بود، دولت اقلیم کردستان در زمینه مدیریت صحیح منابع اقتصادی در سال‌های اخیر با مشکلات بزرگی مواجه شده است. یکی از مهم‌ترین این مشکلات مواجه شدن با بحران بدهی بزرگ خارجی بوده است (*Snow, 2018*).

درواقع، حکومت اقلیم کردستان متعاقب قطع بودجه اقلیم کردستان از سوی دولت مرکزی در اواخر سال ۲۰۱۳ تا کنون (۲۰۲۱) با مشکلات بزرگ اقتصادی مواجه شده

۱. شایان ذکر است که در سال‌های بعد از ۲۰۱۳ حکومت مرکزی بغداد تنها چند ماه و آن هم به شکل محدود، سهم بودجه اقلیم را ارسال کرده و همین امر محدودیتی دوچندان را برای رهبران اربیل به‌وجود آورده است.

است و در عمل در خصوص مدیریت منابع و درآمدها نتوانسته عملکردی مناسب را ارائه کند. در وضعیت کنونی، اقلیم کردستان از دو بخش تأمین می‌شود که یک قسمت آن مربوط به سهم بودجه‌ای است که از بغداد به اربیل ارسال می‌شود. قسمت دیگر آن به درآمدهای نفتی و گمرکی حکومت اقلیم کردستان مربوط می‌شود (Dooler and Gardner Cuesta, 2021; Salam, 2020). البته در چند سال اخیر نیز بخشی از نخبگان و احزاب منتقد حکومت، عملکرد دولت را در زمینه مدیریت منابع اقتصادی و تقسیم بودجه مورد انتقاد قرار داده‌اند. در مجموع می‌توان اظهار داشت مدیریت ضعیف منابع اقتصادی دولتی و غیردولتی توسط دولت اقلیم کردستان یکی دیگر از شاخص‌های مهمی است که می‌توان از آن به عنوان محدودیت یا مانعی برای تطبیق مدل توسعه اقلیم کردستان به مدل دولت توسعه‌گرای طرح شده در چارچوب نظری یاد کرد. مدیریت نادرست منابع علاوه بر شکل‌گیری شبکه‌ای از فساد مالی در اقلیم موجبات نارضایتی شهروندان را نیز به دنبال داشته و همین امر گذار اقلیم کردستان به مدل توسعه‌گرا را بیش از پیش دشوار کرده است.

۳-۵. عدم استقلال نخبگان سیاسی و فقدان بوروکراسی اقتصادی

صلاحیت‌دار

خودمختاری نسبی نخبگان و نهادهای دولتی مسئله مهم دیگری است که باید به عنوان یکی از شرط‌های گذار به مدل دولت توسعه‌گرا در ارتباط با اقلیم کردستان مورد توجه قرار گیرد. اینکه یک دولت بتواند فراتر از منافع طبقاتی، منطقه‌ای، گروهی و عشیره‌ای گام بردارد از الزاماتی است که باید در ارتباط با اقلیم کردستان نخبگان سیاسی اقلیم مورد توجه قرار گیرد. در اقلیم کردستان عراق اساساً سخن به میان آوردن از نخبگان سیاسی مستقل یا دولت مستقل از منافع حزبی و گروهی تا حدودی دشوار به نظر می‌رسد. در ابتدا توجه به این گزاره ضروری است که در این اقلیم هرگونه سازوکاری سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی از منفذ احزاب سیاسی گذر

خواهد کرد؛ به عبارت روشن‌تر احزاب‌اند که سازوکار مناسبات دولت با جامعه، شهروندان با مقامات و مدیریت امور کلان سیاسی و اقتصادی را تعیین می‌کنند. در این میان، وابستگی احزاب به پایگاه حلقه درونی خود، نیز بیش از پیش بر پیچیدگی وضعیت افزوده است. احزاب به نوعی نمایندگی حلقه درونی خود را برعهده دارند و در سطوح کلان سیاسی هرگونه تصمیم‌سازی و اجرای تصمیمات بدون اراده آنها ممکن نیست (Majid Khalil, 2016: 170-176).

با این تفاسیر اکنون می‌توان پی برد که اساساً مدیریت امور سیاسی اقلیم در استان دو حزب اصلی است و این دو حزب دولت را تشکیل می‌دهد. در نتیجه این دو حزب نمایندگی منافع حلقه درونی خود را به صورت نسبی برعهده دارند، دولت نیز نمی‌تواند استقلال نسبی از منافع و اراده این احزاب داشته باشد؛ از این رو اقلیم کردستان در عمل فاقد تطابق و هم‌خوانی با مدل دولت توسعه‌گراست.

همین امر در سطح دیگری موجب شده که روند بوروکراسی اقتصادی قوی و صلاحیت‌دار به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های دولت توسعه‌گرا در اقلیم کردستان مخدوش و ناکارآمد باشد. زمانی که دولت نمی‌تواند استقلالی نسبی در برابر احزاب داشته باشد، بوروکراسی حاکم شده در زمینه اقتصادی نیز منافع نخبگان سیاسی و افراد وابسته به این جریان‌ها را نمایندگی می‌کند. درحقیقت، نخبگان حاضر در ساختار بوروکراتیک اقلیم کردستان به سه دسته تقسیم بندی می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. **نخبگان سیاسی وابسته به دو حزب حاکم اقلیم کردستان یعنی، حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان:** این گروه از نخبگان به دلیل وابستگی به این دو حزب که اکثریت منافذ قدرت و ثروت را در اختیار دارند، عملاً خواست احزاب حاکم را نمایندگی می‌کنند و استقلالی در برابر خواست عمومی ندارند. آنها در زمینه برنامه توسعه نیز نماینده برنامه ارائه شده از سوی احزاب متبوع خود محسوب می‌شوند و نکته قابل تأمل این است که اکثریت نخبگان دانشگاهی و تحصیل‌کرده در این احزاب حضور دارند.

۲. نخبگان سیاسی وابسته با احزاب خارج از دو حزب حاکم: این گروه از

نخبگان عضو احزابی همانند جنبش گوران، جماعت (عدالت) اسلامی کردستان، نسل جدید، اتحاد اسلامی کردستان، سوسیال دموکرات و ... به شمار می‌روند. این گروه از نخبگان که بیشتر در نقش منتقد حکومت و دو حزب حاکم خود را بازنمایی می‌کنند، بیشتر نمایندگی حزب متبوع خود را برعهده دارند و از کم‌ترین میزان استقلال در مواضع برخوردارند. در نتیجه این گروه‌ها نیز نمی‌توانند در روند توسعه دولت اقلیم نقشی مؤثر داشته باشند و وضعیتی مشابه با نخبگان وابسته به دو حزب حاکم دارند.

۳. نخبگان سیاسی مستقل: نخبگان سیاسی مستقل در اقلیم کردستان در داخل این

منطقه بسیار انگشت‌شمارند و برخی از آنها نیز که در خارج از عراق در جوامع غربی حضور دارند، گاهاً در نقش اپوزیسیون ساختار حکومت و جامعه اقلیم ظاهر می‌شوند، اما در عمل تأثیر چندانی بر تحولات ندارند. در مجموع می‌توان اظهار داشت که عدم خودمختاری و استقلال نخبگان سیاسی و فقدان بوروکراسی اقتصادی قوی و صلاحیت‌دار یکی دیگر از موانع جدی گذار اقلیم کردستان در مسیر دولت توسعه‌گراست.

۵-۴. ناتوانی در سرکوب حقوق مدنی، بزرگ‌نمایی مشروعیت حکومت و

عملکرد خود

همان‌گونه که در چارچوب نظری مقاله بحث شد، یکی دیگر از ویژگی‌های غم‌انگیز دولت‌های توسعه‌گرا، ترکیبی از سرکوب‌گاه شدید حقوق شهروندی آنها، بزرگ‌نمایی ظاهری مشروعیت‌شان و عملکرد عموماً پایدار آنها در ارائه کالاهای توسعه‌گرایانه است. هرچند اقلیم کردستان جامعه مدنی فعال و پویایی ندارد، اما با توجه به ماهیت دموکراتیک احزاب سیاسی حاکم و عدم جدیت آنها در ایجاد یک فضای بسته سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، توانایی حکومت در سرکوب اعتراضات شهروندان و ساکت کردن صداهای مخالف، تا حدود زیادی ضعیف بوده است. در سطحی دیگر، حکومت اقلیم و در بطن آن دو حزب اصلی اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق، در مشروعیت‌سازی برای خود تا حدی ضعف داشتند و دارند.

هرچند وضعیت رفاه شهروندان در سال‌های بعد از ۱۹۹۱ که حکومت خودمختاری کردستان در شمال عراق در مدار ۳۳ درجه و متعاقب قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت ایجاد شد، روند رو به رشد کمی و کیفی قابل توجهی داشته است، اما بخشی از شهروندان به‌ویژه در منطقه سلیمانیه نسبت به وضعیت حکمرانی معترض‌اند. در واقع، برخی از شهروندان نسبت به ناکارآمدی حکومت و فساد موجود در ساختار اداری معترض بوده و خواهان انجام اصلاحات اند این وضعیت در شرایطی است که سه استان اربیل، سلیمانیه و دهوک از نظر آزادی‌های مدنی، رشد اقتصادی و شاخص‌های کلان رفاه اقتصادی وضعیتی به مراتب بهتر از استان‌های جنوبی عراق دارند، اما با وجود این دولتمردان اقلیم در ارائه چهره‌ای مشروع از خود که بتواند برنامه‌ها و مدیریت آنها را مقبول جلوه دهد ناکام مانده‌اند. افزون بر این، در اقلیم کردستان رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی متعددی وجود دارند که شدیدترین انتقادات را نسبت به نخبگان حکومتی و عملکرد دولت وارد می‌کنند. همین امر در مجموع موجب شد که مدل توسعه اقلیم کردستان برخلاف بسیاری از مدل‌های دولت توسعه‌گرا در کشورهای غیردموکراتیک فاقد توانایی لازم برای سرکوب صداهای مخالف و پیش بردن روند و برنامه‌های توسعه بدون توجه به خواست عمومی یا هزینه کردن برای مشروعیت‌سازی باشد.

۶. نتیجه‌گیری

در پی پاسخ به پرسش اساسی و بررسی مهم‌ترین موانع و ظرفیت‌های توسعه در اقلیم کردستان تلاش شد چارچوب نظری منسجمی درباره نظریه توسعه‌گرا در قالب ۶ متغیر ترسیم شود. با تأمل و دقت نظر در همین چارچوب در بخش ظرفیت‌های تطبیق اقلیم کردستان با مدل دولت توسعه‌گرا، مهم‌ترین پتانسیل و ظرفیت را می‌توان وجود نخبگان توسعه‌گرای مصمم دانست. هرچند متغیرهای دیگری مانند جامعه مدنی ضعیف و تابع و برخورداری از ویژگی‌های اولیه دموکراسی‌های سیاسی با الگوی توسعه اقلیم

هم‌خوانی دارند، اما این قشری از نخبگان توسعه‌گرای تحصیل‌کرده‌اند که روند و راهبرد توسعه را پیش می‌برند.

هرچند اقلیم کردستان در زمینه گذار به شاخص‌های دولت توسعه‌گرا نسبت به مناطق جنوب و مرکز عراق از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است، اما با بررسی و تحلیل وضعیت تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز توجه به فرهنگ سیاسی حاکم بر اقلیم کردستان به وضوح می‌توان به این مسئله پی‌برد که این منطقه در مسیر گذار به دولت توسعه‌گرا با محدودیت‌هایی قابل توجهی مواجه است. در این میان هرچند اقلیم در زمینه بوروکراسی، مدیریت منابع و استقلال نسبی نخبگان با مشکلات بزرگی مواجه باشد، اما بی‌تردید مهم‌ترین محدودیت و مانع اقلیم کردستان در این زمینه در ارتباط با حاکمیت نظام دو حزبی و تداوم سایه نظام دو اداره‌ایی به صورت غیررسمی است. درحقیقت، دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی، با کنترل بر ساختار قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی برخلاف تجارب موجود در زمینه دولت‌های توسعه‌گرا، امکان در پیش گرفته شدن یک راهبرد توسعه واحد را ندارند. اگر یکی از این احزاب روند توسعه را به صورت یک‌جانبه مدیریت می‌کرد، به نظر می‌رسید در پیش‌برد برنامه‌ها موفقیت بیشتری کسب می‌شد. دو صدایی یا به عبارت دقیق‌تر نظام مدیریت جداگانه هریک از این احزاب در مناطق تحت کنترل خود، موجب شد که وحدت رویه در فرهنگ سیاسی شهروندان اقلیم در حداقل ممکن باشد و سطحی قابل توجهی از لغزش مدیریتی در راستای کسب منافع حزبی در این اقلیم حاکمیت پیدا کند.

در مجموع می‌توان اظهار داشت که حاکمیت نظام دو حزبی و سایه پنهان نظام دو اداره‌ای زمینه‌ساز یا حتی تعیین‌کننده اصلی دیگر موانع پیش روی گذار اقلیم به مدل توسعه‌گرا همانند مدیریت ضعیف منابع اقتصادی دولتی و غیردولتی، عدم خودمختاری نخبگان سیاسی و نهادهای دولتی، فقدان بوروکراسی اقتصادی قوی و صلاحیت‌دار، عدم تمایل در سرکوب حقوق مدنی، بزرگ‌نمایی از مشروعیت حکومت و عملکرد آن بوده است.

منابع

فارسی

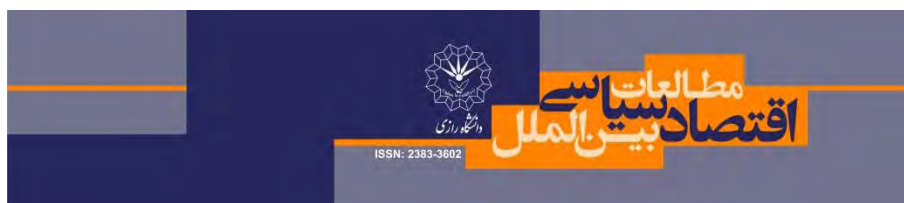
- ربیعی، کامران (۱۳۹۹). «دولت توسعه‌گرا و چالش‌های توسعه اقتصادی در ایران (۱۳۹۸-۱۳۵۷)»،
جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۲، شماره ۱.
- نبوی، سیدعبدالامیر (۱۳۹۰). «ایران و دولت توسعه‌گرا؛ (۱۳۵۷-۱۳۲۰)»، پژوهش‌نامه علوم
سیاسی، دوره ۶، شماره ۳ (۲۳).
- ریچارد پیت و ویک، الین هارت (۱۳۸۴). *نظریه‌های توسعه*، ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری
شالی و اسماعیل رحمان‌پور، تهران، نشر لویه.
- فتح‌الهی عبدالرحمن (۱۴۰۰). *از گردها تا طالبان، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترس در:*
<http://irdiplomacy.ir/fa/news/2004985>
- مه‌سرور بارزانی (۵ تشرینی یکه‌می ۲۰۲۰)، *رپورتی مه‌سرور بارزانی سه‌رؤکی نه‌نجومه‌نی وه‌زیرانی
هه‌زیمی کوردستان له په‌رله‌مانی کوردستان، حکومه‌تی هه‌زیمی کوردستان، له:*
<https://gov.krd/news-and-announcements/posts/2020/october>
- هیوای کورد (۱۰ شوبات ۲۰۱۸)، *ژباننامه‌ی به‌رهه‌م سألح سه‌رؤک کوماری نوئی عیراق، له:*
<http://www.hivaykurd.com/2018/10>
- حاجی، هیوا (۹ ئیلولی ۲۰۱۶)، *بزریوونی کومه‌لگی مه‌ده‌نی، رووداو، له:*
<https://www.google.com/amp/s/www.rudaw.net:https://www.sorani/opinion/090920161-amp>
- موسی شه‌ریف، سه‌ردار (۱۵ ئوریل ۲۰۲۱)، *سه‌رؤکوماری عیراق له‌تیوان پارتی و یه‌کیتی، روزنامه‌ی ئاونه:*
<https://www.avene.com/article?no=17267&auther=127>
- Abdullah Auzer, Khazal (2017). *Importance and Development of the Oil and Gas Industry in the Iraqi Kurdistan Region, In book: Institutional Design and Capacity to Enhance Effective Governance of Oil and Gas Wealth: The Case of Kurdistan Region.*
- Abdulrahman, Noori (2018). *A region focused on encouraging foreign investments, Available at: https://foreignpolicy.com/sponsored/a-region-focused-on-encouraging-foreign-investments.*
- Ahmed, Maroa (2017). *Is Kurdistan Heading toward democracy?, A Bachelor Thesis in Peace and Development Studies. Sweden: Linnaeus University.*
- Al Jazeera (2019a). *Government formation in Iraq Kurdistan...closer after KDP-PUK, Available at: https://www.aljazeera.com/news/2019/3/4/govt-formation-in-iraq-kurdish-region-closer-after-kdp-puk-deal.*
- Al Jazeera (2019b). *Nechirvan Barzani elected president of Iraq's Kurdish region, At: https://www.aljazeera.com/news/2019/5/28/nechirvan-barzani-elected-president-of-iraqs-kurdish-region.*
- Al-Mihya, Sabah Noori Abbas (2017). *"The Economic Crisis in Kurdistan Region and its Impact on Foreign Investment", International Journal of Economics & Management Sciences, 6(5).*
- Amsden, Alice, DiCaprio, Alisa and Robinson, James (2010). *Aligning Elites with Development. WIDER Conference on the Role of Elites in Economic Development. NY: United Nations University.*
- Aydogan, Bekir (2020). *The Iraqi Kurds' Destructive Infighting: Causes and Consequences,*

- Available at: <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2020/04/15/the-iraqi-kurds-destructive-infighting-causes-and-consequences>.
- Aziz, Biner (2020). *Emerging Risks and Reforms: The KRG's Challenges in Building a Post-Coronavirus Economy*. Washington Institute, At: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/emerging-risks-and-reforms-krgs-challenges-building-post-coronavirus-economy>
- Chang, Ha-Joon (2004). *Globalisation, Economic Development and the Role of the State*. London: Zed Books.
- Chantizi, Frini (2017). *Iraqi Kurdistan: Civil Society at the Crossroads*. Democracy Digest. At: <https://www.demdigest.org/iraqi-kurdistan-civil-society-crossroads>.
- Cotton, James (1992). "Understanding the State in South Korea: Bureaucratic Authoritarian or State Autonomy Theory?", *Comparative Political Studies*, Vol.24, No.4.
- Country.eiu.com (2012). *Kurdistan swears in new regional government*. At: <http://country.eiu.com/article.aspx?articleid=259120610&Country=Iraq&topic=Politics&subtopic=Recent+developments&oid=368601821&flid=99058194>.
- Deyo, Frederic (1987). *Introduction*. In F.C. Deyo (ed.). *The Political Economy of the New Asian Industrialism*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Dixit, Pankaj, Rzgar Ahmed, Ramyar (2019). "Diversification of Economy- An insight into Economic Development with Special Reference to Kurdistan's Oil Economy and Agriculture Economy", *Russian Journal of Agricultural and Socio-Economic Sciences*, 85(1).
- Dooler, Alex and Gardner Cuesta, Laura (4 Jan 2021). *Iraqi and Kurdistan Budget Hangs In The Balance*, Available at: <https://www.forbes.com/sites/debtwire/2021/01/04/iraqi-and-kurdistan-budget-hangs-in-the-balance/?sh=48cebb562805>
- EPC (2021). *The Kurdistan Protests and Prospects of Negotiations with Baghdad*, Available at: <https://epc.ae/topic/the-kurdistan-protests-and-prospects-of-negotiations-with-baghdad>.
- Evans, Peter (1985). *Transnational Linkages and the Economic Role of the State: An Analysis of Developing and Industrialized Nations in the Post-World War II Period*. In P.B. Evans et al. (Eds.). *Bringing the State Back In*. New York: Cambridge University Press.
- Fatholahi, Abdurahman (2021). *From the Kurds to Taliban, Iranian Diplomacy*. At: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2004985>, (in Persian).
- Frappi, Carlo (January 2016). *Oil and State building in Iraqi Kurdistan*. In book: *Kurdistan. An Invisible Nation* (pp.91-121). Publisher: ISPIEditors: Stefano M. Torelli.
- Gunter, Michael M (1996). *The KDP-PUK Conflict in Northern Iraq*, *Middle East Institute, Middle East Journal*, Vol. 50, No. 2, <https://www.jstor.org/stable/4328927>.
- Hakeem, Murad (2017). *The Reality of Civil Society in Kurdistan Region*. In book: *Between State and Non-State*. Pp.143-157. DOI: 10.1057/978-1-137-60181-0_8.
- Hawes, Gary and Liu, Hong (1993). "Explaining the Dynamics of the Southeast Asian Political Economy", *State, Society and the Search for Economic Growth, World Politics*, Vol.45, No.4.
- Henderson, Willie. (1990). *Seretse Khama: A Personal Appreciation*. *African Affairs*, Vol.89.
- Heshmati, Almas & Davis, Rhona (December 2007). *The Determinants of Foreign Direct Investment Flows to the Federal Region of Kurdistan*, Discussion Paper No. 3218. P.O. Box 7240-53072 Bonn Germany.
- Hubbard, Ben and Hassan, Falih (Oct. 2, 2018). *Iraq's New Leaders Seen as Technocrats, in a Break From Sectarian Politics*. *The New York Times*. At: <https://www.nytimes.com/reuters/2018/10/02/world/middleeast/iraq-president-prime-minister.html>
- Johnson, Chalmers (1981) *Introduction: The Taiwan Model*. In J.S. Hsiung (ed.). *Contemporary*

- Republic of China. The Taiwan Experience, 1950-1980, New York: Praeger.*
- Johnson, Chalmers (1982). *MITI and the Japanese Miracle*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Johnson, Chalmers (1987). *Political Institutions and Economic Performance: the Government-Business Relationship in Japan, South Korea and Taiwan*. In F.C. Deyo (Ed.). *The Political Economy of the New Asian Industrialism*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Rabie, Kamran (2021). "Developmental State and the Challenges of Economic Development in Iran (1979-2020)", *Journal of Historical Sociology*, Volume 12, No 1, (in Persian).
- Kanabi, Taban (2018). *Effects of FDI on Economic Development in Kurdistan Region*, *International Journal of Social Sciences and Educational Studies* 5(2), DOI:10.23918/ijsses.v5i2.
- Leftwich, Adrian (2001). *States of Development: On the Primacy of Politics in Development*. Polity Publisher. ISBN-13: 978-0745608433.
- Liddle, William (1992). *Indonesia's Democratic Past and Future*. *Comparative Politics*. Vol.24, No.4.
- List, Friedrich (1885). *The National System of Political Economy*. New York: A.M. Kelley.
- Mackie, JAC (1988). *Economic Growth in the ASEAN Region: The Political Underpinnings*. In Helen Hughes (Ed.). *Achieving Industrialization in East Asia*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Majid Khalil, Hiwa (2016). *The Obstacles to Political Development in the Kurdistan Region 1992-2014*, A thesis submitted in fulfilment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, School of Social Sciences College of Business, Law, Education and Social Sciences, Bangor University.
- Mann, Michael (1986). *The Autonomous Powers of the State: Its Origins, Mechanisms and Results*. In J.A. Hall (Ed.). *States in History*. Oxford: Basil Blackwell.
- Nabavi, Abdulmir (2011). "Iran and Developmental State (1942-1979)", *Research Letter of Political Science*, Vol. 20, No 3 (23), (in Persian).
- Nordlinger, (1987). *Taking the State Seriously*, in M. Weiner and S.P. Huntington (Eds.). *Understanding Political Development*. Boston, MA: Little, Brown Co.
- NRT TV (20 July 2020). *Tensions Persist between PUK, KDP*.
- Onis, Ziya (1991). *The Logic of the Developmental State*. *Comparative Politics*. Vol.24, No.1.
- Peet, Richard and Hartwick, Elaine (2006). *Theories of Development*, Translated by Mostafa Azkia, Reza Safari Shali and Esmail Rahmanpour, Tehran, Louye Publication, (in Persian).
- Qaradaghi, Hakeem Dawd (2021). *The dark side of democracy in Kurdistan: The rule of two clans*. *Culturico*. At: <https://culturico.com/2021/02/06/the-dark-side-of-democracy-in-kurdistan-the-rule-of-two-clans>.
- Razzouk, Nayla (2012). *Nechirvan Barzani to Take Over as Iraq Kurd Premier on March 7*. *Bloomberg*. At: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2012-03-05/nechirvan-barzani-to-take-over-as-iraq-kurd-premier-on-march-7>.
- Reuters (2019). *Iraqi Kurdish energy minister Hawrami moved to advisory role in new cabinet*. At: <https://www.reuters.com/article/us-iraq-kurds-energy-idUSKCN1UG0I5>.
- Rueschemeyer, D. and P.B. Evans (1985). *The State and Economic Transformation: Toward an Analysis of the conditions Underlying Effective Intervention*. In P.B. Evans, D. Rueschemeyer and T. Skocpol (Eds.). *Bringing the State Back In*. New York: Cambridge University Press.

- Salam, Dara (2020). *It is time for a system overhaul in Iraq's Kurdish region*, Available at: <https://www.aljazeera.com/opinions/2020/12/30/it-is-time-for-an-overhaul-of-the-system-in-iraqs-kurdish-region>.
- Salih, Mohammed A (2016). *Low Oil Prices Complicate Iraqi Kurdish Independence*. Middle East Institute Policy Focus Series, MEI Policy Focus.
- Samudavanija, Chai-anan (1990). *Thailand: A Stale Semi-Democracy*. In L. Diamond et al. (Eds.). *Democracy in Developing Countries*. Vol.3, Asia, Boulder, CO: Lynne Reiner.
- Shilani, Mustafa (2021/09/08). *Kurdistan Region PM announces initial results of economic reform*. Kurdistan 24. At: <https://www.kurdistan24.net/en/story/25487-Kurdistan-Region-PM-announces-initial-results-of-economic-reform>
- Skocpol, Theda (1985). *Bringing the State Back In: Strategies of Analysis in Current Research*. In P.B. Evans, D. Rueschemeyer and T. Skocpol (Eds.). *Bringing the State Back In*. New York: Cambridge University Press.
- Snow, Andrew (2018). *Kurdistan Region's Debt Crisis Threatens Iraq's Economy, A Bankrupt Regional Government Will Slow Growth, Discourage Investors as Baghdad Disavows KRG Debt*, Available at: <https://www.usip.org/publications/2018/05/kurdistan-regions-debt-crisis-threatens-iraqs-economy>
- Wade, Robert (1990). *Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in East Asian Industrialization*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- White, White, and Robert, Wade (1985). *Developmental States in East Asia*. IDS Research Report 16, Brighton: Institute of Development Studies.





Theoretical Understanding of the Economic Development in the Kurdistan Region, Iraq: Obstacles and Capacities¹

MohammadAli Shirkhani*

MohammadSedigh AhmadMahmoud**

Abstract

Kurdistan Region, Iraq is one of regions in the world that has attracted the attention of the scholars and researchers to its economic, political and social development since 2003. Accordingly, the Kurdish officials have always been trying to illustrate their region's enhancement as a developmental state for years. From this standpoint, the article sheds light on the extent of the balance between the development models of the Kurdistan Region with the developmental state framework. To evaluate that, the article's main question is, "Based on developmental state framework, what are the main obstacles and capacities of Kurdistan Region's development?" To tackle the question, the article's hypothesis is this, "the main capacities of the Kurdistan's developmental state features include Determined Developmental Elites, Weak and Dependent Civil Society, and Benefited from primary political democracy features, on the other hand, the main obstacles of the Kurdistan region's developmental states features include Deficiency in Governmental and Nongovernmental Economic Resources Management, Dependency of the Political Elites and Governmental Institutes, the lack of a Strong and Competent Economy Bureaucracy, Unable to Oppress the Civil Rights, Exaggerating at the Government's Legitimacy and its Performance, and the lack of one Political Party-Oriented rule over the region." The findings revealed that, despite the fact that there are some coincidences, the process of Kurdistan development does not adapt to the developmental state model. The Method of data collecting is secondary sources – the library sources – and the method of data analysis is descriptive-analytical. In this regard, some parts of the article is based on historiography and the other part is theoretical based on the developmental events in the region since 2003.

1. This article has been taken from the Ph.D dissertation of the Corresponding author entitled, "The Theory of Developmental State and Political Economy of the Kurdistan Region, Iraq" at International Relation Department, University of Tehran.

* Professor in International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, International Relations Department, University of Tehran, Tehran, Iran.

** Ph.D Student of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, International Relations Department, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding author: Mohamad.sadeeq.m@ut.ac.ir).



International Political Economy Studies, 2021, Vol. 4, Issue 2, 523-549.

Copyright © The Authors

Publisher: Razi University.

Keywords: *Kurdistan Region of Iraq, Developmental State, Kurdistan Democrat Party, Kurdistan Patriotic Party.*

Article Type: *Research Article.*

Citation: *MohammadSedigh, AhmadMahmoud & Shirkhani, MohammadAli (2021). Theoretical Understanding of the Economic Development in the Kurdistan Region, Iraq: Obstacles and Capacities, 4(2), 523-549.*

